

حدیث و جایگاه آن در هرات

پوهاند دکتور محمد اسماعیل لیبب بلخی¹

1- عضو کادر علمی پوهنځی شرعیات پوهنتون سلام



93788314991 :



prolbalkhi@gmail.com :



چکیده

د حدیث و جایگان آن در هرات (په لاندی موضوعات بحث کوي):

د هرات جغرافیایی موقعیت او علمي اهمیت، هرات د حضرت عمر بن خطاب په خلافت کی د احمد بن قیس تمیمی په لاس فتح شو، د حدیثو پرمختگ دور پکی د دویمی پیړی څخه پیل شو.

په هرات کی د محدثینو تگلاری: په دی مبحث کی په دی بحث شوی چی د هرات محدثینو د حدیثو د روایت، حفظ او کتابت په اړه خپلی ځانگړی تگلاری درلودی.

د هرات د حدیثی مدرسې ځانگړتیاوی: په دی مبحث کی لاندی موضوعات تر څیړنی لاندی نیول شوي دي:

د هرات لوی او ثقه محدثین هغه محدثین چی د حدیثو ترڅنگ یی په عربي ژبه هم بشپړ تسلط درلود او

په دی اړه یی کتابونه هم لیکلي دي. د هرات محدثین د بلخ د محدثینو برعکس د امام شافعی رحمه لله د مذهب پیروان و.

په پای کی د هرات د حدیثی مدرسې ځانگړتیاوی تر بحث لاندی نیول شوی دي، چی لاندی مسایلو ته پکی اشاره شوی ده.

د هرات ښار د علم حدیث مرکز او د حدیثو د طلابو لپاره مرجع وگرځیده. په دی مخکه ډیر لوی شمیر داسی محدثین پیدا شول چی د علم حدیث لوړو مرتبو او د نقد حدیث لوړ مقام ته رسیدلي و. دلته ډیر لوی شمیر کتابونه د علم حدیث په بیلا بیلو اړخونو ولیکل شول لکه جرح و تعدیل، تاریخ، علم الرجال او داسی نور.

معلومات مقاله

تاریخ نشر: 1391/12/05

شماره مقاله در ژورنال: 04

تعداد صفحات: 08

شماره نوبتی مجله: 3 و 4

کلید واژه ها

حدیث، مدرسه هرات، راوی،

منهج محدثین

معلومات مجله:

مجله علمی پوهنتون سلام، نشرات خویش را از سال 1390 هـ.ش آغاز نموده و دست آورد های زیادی در این زمینه دارد، در ادامه سلسله فعالیت های خویش به تاریخ 1401/03/22 اعتبار نامه خویش را به عنوان یکی از معتبرترین مجله از وزارت محترم تحصیلات عالی کشور به دست آورد، آدرس: افغانستان، کابل، ناحیه چهارم، کلوله پشته، چهار راهی قلعه بست (گل سرخ)، پوهنتون سلام. **وبسایت:** <https://salam.edu.af/magazine> ، **ایمیل:** salamuk@salam.edu.af ، **شماره های تماس:** +93202230664 و +93788275275

مقدمه

از بسترهای مهم ومشهور حدیث در افغانستان شهرباستان هرات است ، هرات سرزمینی است که زادگاه علما ومحدثان بوده شخصیتهای برازنده حدیث دراین سرزمینی به میان آمده ودر ان نشو ونما نموده بحیث علما ومحدثان درجهان اسلام عرض وجود نموده کتابخانه ها ومکتبات جهان اسلام را با تألیفات ، کتابها ونوشته های خویش غنی ساخته نامهای خویش را در تاریخ با خط زرین ودرشت ثبت وسجل نموده اند .

موقعیت و اهمیت هرات

شهر هرات از مهمترین شهرها افغانستان امروز وخراسان قدیم است ازین رو شعرا وادبای فارسی زبان در وصف آن سروده های سروده اند طوری که شاعری گفته است :

کرکسی پرسد از تو کز شهرها بهتر کدام - گر جواب راست خواهی داد او را گوهری

این جهان را همچو دریا دان خراسان را صدف - در میان این صوف شهره‌ری چون گوهری¹

هرات را مؤرخان کلید آسیا و دروازه افغانستان بلکه دروازه قاره هند و مرکز ثقافتی و تجارتي منطقه و همزه وصل بین افغانستان و بلاد ماوراءالنهر و ایران دانسته اند . یاقوت حموی در کتابش معجم البلدان گفته است : هرات مدینه عظیمه مشهوره من امهات مدن خراسان ، لم ارا بخراسان عند کونی بها سنة 607 هـ مدینه اجل ولأعظم ولا افخم ولا أحسن ولا اکثر اهلاً منها ، فیها بساتین کثیره ومیاه غزیره وخیرات کثیره محشو بالعلماء ومملوء بأهل الفضل و الثراء² ترجمه: هرات شهری است بزرگ ومشهور، از مهمترین شهرهای خراسان است ، هنگامی که من در خراسان در سال 607 هجری بودم در آنجا شهری بزرگ تر و عالیتر وزیباترودارای باشندگان بیشتر از هرات ندیده ام در آن باغهایی بسیار وآبهای فراوان وخیرات زیاد است ، هرات مملو از علماءواهل فضل ودانشمند وثروتمندان است .

با آنکه هرات راجنگیر خان وتیموروفاتحان دیگر ویران وتخریب نمودند ولی بار دیگر این شهر در آن زمان آباد شد این بطولت رحاله بزرگ اسلامی هنگامی که ازین شهر دیدن به عمل آورد بعد از آنکه مدت زمانی نزدیک به یک قرن خراب و ویران بوده دوباره آباد شده بود - در وصف آن گفته است : (وهی اکبر المدن العامرة بخراسان ومدن خراسان العامرة أربعة ، ثنتان عامرتان وهما هرات ونیسابور وثنتان خربتان هما بلخ ومرو ، ومدینه هرات کبیره عظیمه ، کثیره العماره ولأهلها صلاح وعفاف وبلدهم طاهر من الفساد³ ترجمه : هرات از بزرگترین شهرهای آباد خراسان است وشهرهای آباد خراسان چهار است دوشهر معمور وآباد که هرات ونیشاپور است ودوشهری خراب که بلخ ومرو می باشد شهر هرات ، شهر بزرگ وعظیمی بوده دارای آبادی زیاد است ساکنان آن مردمان صالح وعفیف بوده وشهر شان پاک از فساد است .

هرات همانگونه در اشعار فارسی از آن وصف شده در اشعار عربی نیز شعراء از آن توصیف به عمل آورده اند زونی می گوید :

هرات أردت مقامی بها - لشتی فضائلها الوافرة

نسیم الشمال وأعنابها - وأعین غزلاتها الساحرة

ترجمه : اراده نمودم که به هرات اقامت گزینم - بخاطر فضایل زیاد ومتعدد آن - از آنجمله باد گوارای شمال وانگورهای او وچشمان سحر انگیز آهوان آن است .

فتح هرات

هرات در عهد عمر بن خطاب به دست احنف بن قیس تیمیمی که یکی از قومندان عبدالله بن عامر بود فتح شد بدین ترتیب آفتاب اسلام در آلمان به این سرزمین تابید تاریکی کفروجهل ازین سرزمین پاک دامن برچید ، احنف با لشکر بزرگی از راه طبرسین وارد خراسان گردیده هرات را فتح ، وصحار بن الفلانی العبیدی را به حیث فرمانروای آن گماشت .

بلاداری در کتابش فتوح البلدان می گوید: عبدالله بن عامر شهر هرات را از راه مصالحه فتح نمود⁴ و برخی گفته اند هرات در زمان عثمان رضی الله عنه فتح شده است .⁵

راجح آنست که هرات برای اولین بار در زمان عمر بن خطاب فتح گردید سپس در زمان عثمان اهل هرات عهد وپیمان بشکستند تا آنکه عبدالله بن عامر بن کریز دوباره به آن یورش آورد واهل هرات با وی به مصالحه پرداختند واز آن بعد هرات یکی از مراکز و پایگاه های مهم اسلام به شمار می رفت وتحت حکم خلافت اسلامی در زمان اموی ها وعباسی ها تا سال 205 ه قرار داشت ، اما هنگامی که طاهر بن حسین استقلال خراسان را در روز جمعه 24 جمادی الاخره سال 205 اعلان نمود هرات یکی از شهرهای بزرگ خراسان آزاد بود که به دولت طاهریان تعلق داشت آبادانی وازدهار وانکشاف ترقی هرات همانسان ادامه داشت تا آنکه چنکیز خان مغول هنگامی هجومش بر عالم اسلامی بر هرات استیلا یافت ودرسال 618 ه بود که فرزند چنکیز کاملاً برهرات سیطره یافت ولیکن او خونریزی مردم هرات را جز از 12 هزار لشکر سلطان محمد خوارزمشاه عفو نمود ولی یک سال ازین عفو نگذشته بود که خود چنکیز خان ، خون باشندگان هرات را هدر اعلان نموده ایشان را به کشتارگاه دستجمعی سوق داد

سپس هرات مجد وعظمت گذشته اش را دریافت تا آنکه مرکز دولت تیموریان (فرزندان ونوادگان تیمورلنگ) گردیده ، شاهرخ فرزند تیمورلنگ در بازسازی هرات اهتمام وتوجه زیاد داشت از آنرو هرات در روزگار وی مرکز علم وفن وادب شد .

ازدهار وانتشار حدیث در هرات

از آنروز که خورشید اسلام درین سرزمین به تابش آمد و نور درخشان اسلام تاریکهای جهل ، ظلم ، کفر شرک ، والحداد را زدود وباشندگان این خطه پاک ، تعالیم تابناک اسلام را اخذ وتلقی نمودند تا آنکه ایمان در اعماق دل‌های شان رسوخ یافت والگوی صلاح ، عفت ودیانت شده شهر هرات یکی از مراکز مهم اسلامی گردید . هنوز یک قرن از ورود اسلام درهرات سپری نشده بود که تعدادی زیادی از علماء ، فقها ، اهل لغت ، مشایخ وزهاد در آن سرزمین بروز نمودند، این بدان خاطر که اهل هرات با اسلام ارتباط مستحکم یافته ارتباط وعلاقمندی شدید با اسلام وتعلیمات اسلامی پیدا نموده به فراگیری علوم اسلامی پرداختند ، که به صورت مثال به شرح حال برخی از آنان ذیلاً می پردازیم :

¹ - تاریخ هرات در عهد تیموریان ص 42

² - معجم البلدان مادة هرات ص ج

³ - افغانستان من الفتح السلامی ص 354

⁴ - فتوح البدان ص 288

⁵ - القلقشندی ج 4 ص 393 - 394

1- ابوعبید ابراهیم بن طهمان حافظ و مفسر که از فقهای اهل حدیث حساب می شود در هرات تولد یافت برای دریافت علم به سفرها پرداخت از جماعه از تابعین امثال عبدالله دینار و ابی حازم سماع حدیث نمود و در صلاح و تقوی به حدی رسید که هرگاه در مجلس امام احمد از او نام برده می شد و او تکیه زده بود درست می نشست و می گفت : مناسب نیست که از صالحان و نیکان یاد شود و انسان تکیه زده باشد ابوعبید در سال 163 ه چشم از جهان بست و از او کتابهای درسین ، فقه ، مناقب و کتاب العیدین و کتاب التفسیر باقی مانده است.¹

2- ابو خالد هیاج بن بسطام برجی و هروی فقیه و محدث که از علمای و محدثین مشهور هرات که در قرن دوم هجری درین شهر به میان آمده و به فراگیری حدیث و علوم دین پرداخته و در سال 177 ه به رحمت الهی پیوسته است.²

هرچند که تاریخ متفق علیه راجع به شهر هرات بعد از فتح اسلامی در دو قرن اول به دست نیست ولی آنچه که مبرهن است و مؤرخان و بلدانین تقریباً به آن اتفاق دارند آنست که شهر هرات یکی از مراکز مهم خراسان بزرگ و از اهمیت سیاسی و مرکزی ویژه ای برخوردار بوده است. و این اهمیت روی موقعیت جغرافیای هرات است که در چهار راهی طرق تجارتی قرار داشته است که نه تنها وفود تاجران به سوی آن می آمدند بلکه علماء ، فقه و محدثین به سوی هرات رخت سفر بسته و در آنجا اقامت گزیده به تدریس و تعلیم می پرداختند.³ مقدسی در کتاب : أحسن التقاسیم " راجع به علوم و فنون شهر هرات یاد آورده و باشنندگان آن شهر را به علم و فن وصف نموده و به تشد و سختی ایشان در مصارف و به سرکشی طبیعت شان اشاره کرده است.⁴

هر چند مقدسی را در همه آنچه نوشته تأیید نداریم ولی برخی قرائنی وجود دارد که به بعضی از نوشته های مقدسی ، دلالت و مقدسی را در برخی از ادعاهایش تأیید می نماید که این امر در تشدد ایشان در گفتگو های علمی و دینی شان ملموس است . ولی مطالعه کتابهای تاریخ و تراجم را و بیان حدیث ، برداشت خوب و فکره روشنی از پیمانه اهتمام اهل هرات به علم و دانش ، و از رغبت و تمایل بیش از حد ایشان به حدیث نبوی شریف - به ما می دهد زیرا ما مجموعه بزرگی از ستونهای علم و پایه های حدیث ، فقه و لغت را درین خطه باستانی سراغ داریم که ازین سرزمین برخاستند و شهرت جهانی دریافته کتابخانه های دنیا را با نوشته ها ، تالیفات و کتابهای شان مملوء و منور ساخته اند .

اگر موضوع را بخواهیم روی گذار زمانی ردیف بندی نماییم تاریخ و کتابهای رجال حدیث - در حدود علم نگارنده - در قرن اول هجری از هیچ محدث مشهوری منسوب به این شهر نام نبرده و یاد نکرده است ، و البته این بدان معنی نیست که علما و محدثین درین فتره در آنجا نبوده و یا اهل این سرزمین اهتمام به حدیث نداشته اند بلکه اسباب دیگری که اهل هرات را معذور می دارد در زمینه موجود بوده است : ازین اسباب :

یکم : اینکه دخول اسلام درین سرزمین متأخر بوده است ، زیرا اسلام برای بار اول در عهد عمر بن الخطاب درین خطه داخل شد ، بعد باشندگان آن نقض عهد نمودند ، تا آنکه فتح اسلامی بار دیگر در زمان عثمان رضی الله عنه صورت گرفت ، ازینرو سالهای که از قرن اول باقیمانده در حقیقت آغاز تلقی علم و حدیث بوده فرصتی برای جمع آوری مواد علمی قلمداد گردیده همزمان با آغاز قرن دوم هجری مدرسه حدیثی هرات شکل گرفته مجموعه از علما و محدثین و دانشمندان را به جامعه تقدیم نمود که برخی از آنها چون ابوسعید ابراهیم بن طهمان و ابوخالد هیاج بن بسطام از علما ، محدثین و مفسرین مشهوری اند که قبلاً از ایشان ذکر نمودیم و اینک به ذکر برخی دیگری از آنها می پردازیم .

1- عبدالله بن معاویه بن عبدالله بن جعفر الطیار از بزرگان علما و فضالی زمان خویش بوده و در علوم شرعی در عصر خود از همه اقران و همقطاراننش جایگاهی فراتری داشت ، شخص ارجمند و کریم النفس بوده و بر اظهار حق جرئت و دلآوری بی نظیری داشت ، از دعوتگران مخلص به حساب می آمد ، مردم را به حق و اسلام به صورت سری دعوت می نمود ، و بدینوسیله محبت مردم را نسبت به خویش کسب کرد ، با مردم معتبر و تهی دست یکسان تعامل داشت ، و این سبب شد که مردم در نواحی مربوطات فارس و اصفهان به نام او خطبه بخوانند ، مذکور در سال 124 ه به شهادت رسید و در قریه کهنج در شهر هرات بخاک سپرده شده و هنوز قبرش در آنجا وجود دارد .⁵

و بدین سان امثال ابو القاسم محمد بن امام جعفر الصادق و شیخ ابولیت فوشنجی و غیر آنان دیگر علما بارز و زاهدان مشهور در قرن دوم زندگی کرده اند . و ناگفته نماند که وضعیت حدیث از آن روزگاران به بعد روز بروز بهتر و پررنگ ترمی شد ، تا آنکه در قرن سوم و چهارم و قرنهای بعدی مجموعه ای از علماء و محدثین ثقات ، ازین سرزمین تبارز نموده در فضای علمی و حدیثی هرات درخشیدند که از جمله می توان ابوولید احمد بن ابی رجاء عبدالله بن ایوب بن حنیفه هروی را نام برد که از اکابر علمای از قریه آزادان در شمال غربی هرات بوده و از شاگردان امام احمد بن حنبل و استادان امام بخاری و امام ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن دارمی صاحب سنن بوده ، که هر دو از وی در کتابهای خویش احادیث بی شماری را روایت می کنند وی در سال 232 هجری وفات کرد و در قریه آزادان به خاک سپرده شد .⁶ شخصیتهای مشهوری از محدثین بزرگ امثال ابو الولید که اساتید و مرجع علماء و طلاب علم بودند بی تردید اثر بزرگی در انتشار حدیث نه تنها در شهر هرات داشتند ، بلکه در هرات و در شهرهای مجاور آن ، که از آنها علما و طلاب حدیث به هرات قدوم می آوردند اثر گذار بودند - و در قرن سوم هجری مشایخ بزرگ و اعلام سترگ دیگری امثال خواجه علی موفق را سراغ داریم که مذکور در بغداد تولد یافته و در هرات متوطن شده و در سال 256 هجری در هرات چشم از جهان بسته و در آنجا به خاک سپرده

1- افغانستان والادب العربی عبر العصور ص 38 - افغانستان من الفتح الاسلام ص 36 معجم المؤلفین 41/1 ، التهذیب ج 1 ص 129 .

2- تاریخ افغانستان بعد از اسلام ج 1 / 802 تهذیب التهذیب ج 5 ص 88

3- سرگذشت پیر هرات ص 26 - 27

4- احسن التقاسیم ص 307

5- سرگذشت پیر هرات ص 229 و رساله مزارات هرات ص 8-9

6- سرگذشت پیر هرات ص 220 و رساله مزارات هرات ص 13 - تقریب

شد¹ و هم از محدثین بزرگ امام ابو الحسن کردی درین قرن چهره نمایی دارد که نامبرده در پهلوی شهرت در حدیث مهارت در فقه را با خود داشته ، فقیه ، دانشمند ، حافظ وزاهد خوانده شده و بنا بر روایتی هشتاد هزار حدیث را حفظ داشت.²

وهرگاه به وضع حدیث ومحدثان هرات در قرن چهارم متوجه شویم مجموعه بزرگی از ایشان را می یابیم که کتابها وتالیفات زیادی از ایشان در حدیث وعلوم حدیث به جا مانده است ، بگونه مثال ببینید :حسین بن ادریس بن المبارک بن هیثم هروی از محدثان بزرگ ومشهور هرات است ، که برای فراگیری حدیث وعلوم شرعی به دمشق ، سفر نمود ، ودر آنجا از هشام بن عمار سماع حدیث کرد ،وبه بغداد رفت ودر آنجا از عثمان بن ابی شیبۀ ومحدثان دیگری حدیث شنید وتعداد زیادی از مردم از او علم گرفتند ودرس حدیث شنیدند امثال حام بن حیان وغیر او ،واز مردان ثقات ومحدثان معتمد بوده ودرتاریخ کتابی دارد که به ترتیب حروف معجم همانند کتاب تاریخ کبیر بخاری تألیف نموده که در آن احادیث واخبار زیادی را جمع آوری وتألیف ودرسال 301 ه وفات نموده است.³

بدینگونه حدیث در شهر هرات رشد ونمو نمود ، سپس به روستاها ومناطق دور دست شهر ، وشهرهای مجاور آن منتشر- شد ، واز طرف دیگر طلاب هرات باسفرها ورحلات به بیرون از هرات وباننشست وملاقات های شان با امامان حدیث ،حدیث وعلوم شرعی را به هرات منتقل ساختند ، بنابراین هرات درین فتره زمانی شخصیت های علمی وحدیثی بزرگی را که نه تنها باعث افتخار هرات وافغانستان بوده بلکه جهان اسلام به ایشان افتخار می نمود به جامعه اسلامی تقدیم کرد که نامهایشان در تاریخ علماء ومحدثین با خط درشت وزرین ثبت شده است.

روش ومنهج محدثین در هرات

به ارتباط شیوه ومنهج محدثین در هرات با تعبیر دیگر ، روش ومنهج مدرسه حدیثی هرات باید گفت که تقارب ونزدیکی زیادی بین ، محدثین در بلخ وروش محدثین در هرات وجود دارد واین بدان لحاظ که هر دو شهر از لحاظ مسافه جغرافیایی با هم نزدیک وروابط علمی در میان آنها موجود بوده وعلمای هر یک به شهری دیگر ، سفر های علمی ورحلات داشته اند . زیرا بلخ وهرات دوجزء مهمی از اجزاء خراسان بزرگ بوده طوری که در تعریف هرات به آن اشاره آمد . اینک به شرح وتفصیل برخی ازین مناهج وروش ها می پردازیم :

❖ واز روشهای محدثین در هرات جمع بین علم ظاهر وباطن وعلم شریعت وتصوف است ازین لحاظ بسا محدثین را در هرات سراغ داریم که در پهلوی اشتغال در حدیث وعمق در آن علم ، به تصوف وعرفان نیز ممارست داشتند⁴ بگونه مثال عبدالله بن معاویه بن عبدالله بن جعفر که در سال 134 چشم از جهان بسته است از اکابر علما در حدیث وفقه ومعارف اسلامی وهم در تصوف از اقطاب زمانش به حساب آمده است⁵ وهمچنان امام عبدالله عبدالواحد بن مسلم بن عقیل که از علما و عرفایی هرات بوده واز محدثین کبار محسوب بوده در تاریخ نیز بدطولا داشته واز اولیای مشهور هرات بوده است.⁶

❖ وازمناهج وروشهای محدثین هرات آن بوده که تنها به قراءت و ثبت وضبط حدیث در کتابها واوراق اکتفا نمی کردند بلکه آن را در سینه هایشان حفظ واز حفظ وصدر خویش روایت می نمودند البته طریقه وشویه متبع نزد علماء وحفاظ حدیث درهمه زمانها چنین بوده ومحدثین هرات نیز به همین منهج وشویه روان بودند بگونه مثال امام ابوالحسن کردی هروی که در سال 255 ه داعی اجل را لبیک گفته است هشتاد هزار حدیث را باسندش کاملاً حفظ داشت⁷ وهمچنین عبدالله بن عروه هروی محدث مشهوری که در سال 311 ه چشم از جهان بست از جمله محدثین مشهور در حفظ حدیث بوده است⁸ امثال اینان صدها محدث حفاظ درین خطه علم خیز وحدیث پرور زندگی نموده که احادیث رسول الله صلی الله علیه وسلم را در سینه های شان حفظ وضبط نموده وبه شاگردانشان از حفظ خویش روایت می نمودند .

❖ وهم از مناهج وشویه های محدثین هرات آن بوده که گاهی به طلاب وتلامذ خویش به وسیله نوشته وکتابت اجازه می دادند که مرویات شان را روایت کنند واین امر با مراجعه وخوانش بیوگرافی برخی از محدثین هرات روشن می شود ، بطور مثال : عبدالله بن احمد بن محمد بن عبدالله ابوذر هروی که از محدثین مشهور هرات است به سوی مکه رفت ومدت زمانی در آنجا اقامت گزید ودرمیان عرب ازدواج کرد وهر سال ادای حج می نمود وصحیح بخاری را از سه تن از استادان ومشاخ حدیث : محمد بن المکی وابی محمد عبدالله بن محمد حموی وابو اسحاق مستملی اخذ وتلقی کرد ،ابو الفضل بن خمیروبه هروی وابو منصور نضروی وبشرین محمد مزنی و {افراد دیگری} از طبقه آنان گفته اند : که ابوذر هروی از مکه به ما نوشت وبه روایت تمام احادیث ومرویاتش اجازه داد.⁹

❖ واز شیوه ها ومناهج مهم محدثین هرات می توان آنرا شمرد که محدثین تنها به روایت ونقل حدیث وحفظ لفظ آن بسنده نبوده بلکه با احادیث با فهم ،استنباط واستدلال با آن می زیستند، در تحلیل وتجزیه حدیث دقیق شده از آن مسائل را بیرون آورده علت حکم را در حدیث دریافته ومسائل که در ان نص وجود نداشته از باب حمل مانند برمانند قیاس را بکار می بردند .

¹ - رساله مزارات هرات ص 14- 15- 16- وسر گذشت پیرهرات ص 221

² - دو مصدر ومأخذ گذشته

³ - معجم البلدان ج 5 ص 396 و 397

⁴ - ازین تعبیر فهم نشود که به تقسیم علم به ظاهر وباطن باورمندیم نویسنده

⁵ - رساله مزارات هرات ص 8

⁶ - رساله مزارات هرات

⁷ - رساله مزارات هرات ص

⁸ - افغانستان من الفتح الاسلامی ص 361

⁹ - التفتید لمعرفة رواة السنن والمسانید ص 391- 392

که می توانیم مثال آنرا در امثال امام ابوعلی حامد بن محمد بن احمد رفاع سراغ کرد که از محدثین مشهور هرات بوده و از استادان فقه و اجتهاد خوانده می شود نامبرده در سال 356 هـ در هرات فوتیده و در داخل شهر هرات دفن گردید.¹

نا گفته نماند که جمع بین حدیث و فقه از منتهج و روش اکثر علماء در بلدان اسلامی در قرنهای اولی بوده ولی این روش در بلخ و هرات شکل و صورت ویژه ای داشته است ، چه درین دوشهر بزرگ خراسان هر محدثی را که سراغ می کنیم او فقیه ، و هر فقیهی را که در می یابیم او محدث است، فقه و حدیث درین دوشهر دوشادوش حرکت داشته و یکجا پیش می رفته و همواره در علماء جمع می شده است ، برآستی محدث که فقیه نباشد موارد تطبیق حدیث را نمی شناسد و فقیه که محدث نباشد دانشش بی اساس و فقیه بی دلیل است ، بناءً فقه و حدیث حیثیت سقف و اساس ، (تهذاب) را دارند . اساس حدیث و سقف ، عبارت از فقه است ، که برآن بنا یافته است ، پس چه خوب است حدیث و فقه در شخصی که جمع شوند ، و محدثین هرات از این نعمت برخوردار بودند، شخصیتهای چون کنانه بن جبلة هروی و ابو خالد هیاج بن بسطام تیمیمی و معمر بن حسین هروی و غیرهم ستارگان فقه و کواکب درخشان حدیث در آسمان علمی هرات بودند.²

❖ وما درمیان محدثین هرات مجموعاً زیادی از ایشانرا سراغ داریم که به مصداق حدیث رسول الله صلی الله علیه وسلم : [ان البذاذة من الايمان] ³ ترجمه : تقشف از ایمان است، زاهدانه زندگی نموده و به زندگی قناعت آمیز به سر برده اند .

بسیاری از علما و بویژه محدثان در هرات به شیوه صحابه و سلف صالح زندگی اختیار نموده و به آنچه میسر بود قناعت داشته و از صبر و شکیبایی برخوردار بوده با دنیا و متاع و آرایش اعتنا و اهتمام نداشتند . و این ابو عبدالله محمد بن الیمان متوفای 416 هـ است که از بزرگان مشایخ حدیث شمرده شده است ، و او کسی است ، شیخ هرات خواجه عبدالله انصاری از وی روایت نموده و راجع به او گفته است : من از شیخ بزرگ که چشمم مانند او را ندیده است حدیث روایت می کنم ، او شخصیت دانشمند ، زاهد و محدث زمانش بوده و به روش صحابه و سلف صالح رضی الله عنهم زندگی داشت.⁴

❖ تالیف و تصنیف در علوم مختلف ، از مناهج و روشهای محدثین هرات می باشد ، علما درین سرزمین ، کتابها و رسالههای در حدیث ، فقه ، تاریخ و غیره به تألیف رسانیده که مورد استفاده طلاب علم و عامه مردم قرار گرفته است ، بگونه مثال : شیخ هرات امام عبدالله انصاری چندین کتاب و تألیفات زیادی در علوم مختلف دارد ، و همچنان حسین بن ادريس بن مبارک و بردارش یوسف بن ادريس هروی که هر دو از علماء ثقه در حدیث اند کتابها و تألیفات در فقه و علوم دیگر دارند.⁵

❖ از شیوه و روش محدثین و علماء در هرات گرامیداشت قدر علم و احترام علماء و تقدیر از دانشمندان بوده ، ایشان از یکطرف به علماء و محدثین ، ارج می گذاشتند ، و از طرف دیگر عزت نفس و حیثیت خویش را نگهداشته به درب امراء و ملوک برای تعلیم و آموزش اطفال و پسران شان نمی رفتند ، بلکه امرا برای سماع حدیث ، نزد ایشان می آمدند ، حدیث و سائر علوم اسلامی را فرا می گرفتند ، بگونه مثال ابو عبید القاسم بن سلام هروی که از بزرگترین اعلام فقه و حدیث است ، کتابهای زیادی را که مشهور ترین آنها کتاب غریب الحدیث است تألیف نموده که احمد بن حنبل آنرا وصف کرده است ، علی بن المدینی و عیاض عنبری در حالیکه از علماء برجسته حدیث اند به سوی او آمدند که تا از وی حدیث بشنوند اما ابو عبید بخاطر تعظیم و بزرگداشت علم آنان به منزل ایشان رفت ولی همین ابو عبید از رفتن به خانه امیر طاهر بن الحسین انکار و امتناع ورزید و امیر خودش برای سماع علم به نزد وی می آمد و از او علم می آموخت .⁶

علما و محدثین هرات به این ترتیب و چنین شیوه ، قدر علم ، کرامت علماء و عزت نفس خویش را حفظ نمودند .

❖ و از مناهج و روشن محدثین در هرات اهتمام و توجه به سند عالی است ، ازینرو برای این مطلب از شهری به شهری سفر می نمودند تا حدیث را به سند عالی روایت نمایند ، رسیدن به سند عالی از بزرگترین آرزوهای محدثین بوده است لذا محدثینی را سراغ داریم که در لحظات مرگ خویش هنگامی که برایش گفته می شود چه اشتها دارید ؟ می گوید : خانه خالی از انسانها و سند عالی را می خواهم .

بدین شیوه علما و محدثین هرات برای دریافت سند عالی از هرات به مکه ، مدینه ، بغداد و دیگر شهرها رحلات و سفرها داشتند ، تا احادیث را از شیوخ و استادان که سند ایشان به رسول الله صلی الله علیه وسلم نزدیکتر است ، روایت کنند ، که در بیوگرافی و شرح حال برخی از محدثان که یاد آور شدیم از سفرهایشان ذکر بعمل آوردیم .

مبحث چهارم

ویژگیهای مدرسه حدیثی هرات

مدرسه حدیثی هرات با تبارز دستة بزرگی از محدثین ، درین سرزمین مبارک، شکل گرفته است ، و البته توجه و اهتمام باشندگان این خطه به علم و حدیث رسول الله صلی الله علیه وسلم در شکل گیری آن نقش و اثر بارزی داشته که در نتیجه ، از فرزندان این خاک تعداد زیادی از متخصصین در حدیث و اشتغال دارندگان به آن ، به میان آمده است .

بی تردید هر محیط و جامعه ، خصوصیات و ویژگیهای از خود دارد که در کیان فکری و تکوین علمی فرزندان آن اثر گذار است ، بسا وقت نظام درسی و منتهج علمی در یک محیط با نظام اجتماعی و سیاسی موجود در آن تفاعل نموده از آن متأثر می شود ، بدین لحاظ مدرسه حدیثی هرات از یک سلسله ویژگیها و ممیزاتی برخوردار

¹ - رساله مزارات هرات ص 20

² - افغانستان والادب العربی عبر العصور

³ - ابوداود در کتاب الترجل و ابن ماجه در زهد آورده نگا : بذل المجهود: 17 ص 45... 358

⁴ - رساله مزارات هرات ص 26 - 27

⁵ - افغانستان من الفتح الاسلامی ص 357

⁶ - افغانستان من الفتح اسلامی ص 357-358

است که شاید این ویژگیها و خصوصیات، مدرسه حدیثی هرات را نسبت به مدارس حدیثی دیگر برتر و شگوفاتر نشان دهد، که اینک ما ذیلاً به برخی از این ویژگیهای اشاره می‌کنیم:

البته آنهایی که اشتغال به حدیث و علم حدیث داشته و دارند تعداد زیادی اند و لفظ محدث به هر آنکه اشتغال به حدیث و روایت آن داشته باشد اطلاق می‌شود لیکن محدثین ثقات و معتمد و اثبات، که قول آنان مورد اعتماد علما و دانشمندان برجسته این علم باشد تعدادشان به آن مقدار زیادی نیست که در هر جای و هر منطقه، به کثرت پیدا شوند، ازین لحاظ از خصوصیات و ویژگیهای مدرسه حدیثی هرات یکی هم اینست:

الف - اکثر محدثین در هرات ثقات و اثبات بوده علما برجسته حدیث و اهل جرح و تعدیل به ثقه بودن و اخذ به قول آنان اتفاق کرده اند و برای توضیح این مطلب و اثبات این مدعا به ذکر چند مثالی ازین محدثین ثقات می‌پردازیم:

1- عبدالله بن محمد بن علی بن محمد ابو اسماعیل حافظ، انصاری، هروی است که ابوبکر بن نقطه در موردش گفته است: الحافظ الثقة المأمون "عبدالله حافظ حدیث، ثقة و معتمد، امانتداری اش در حدیث پذیرفته شده است، ذهبی در تذکرة الحفاظ و سیر اعلام النبلاء او را آورده و از ثقات، اثبات شمرده است، و ابو عبدالله حسین بن محمد بن الحسین گفته است عبدالله بن محمد انصاری، ناصر السنة، بیگاه روز جمعه 22 ذی الحجة سال 481 ه از جهان رفته است، و مؤتمن بن احمد الساجی گفته است: عبدالله بن محمد انصاری از سلاطین علماء بوده و در زبان تذکیر و تصوف آیه و نشانه بزرگی بوده است.¹

2- ابو عبدالله بن عباس ابن ابو ذیل هروی که از راویان ثقات حافظ بوده و در سال 378 ه از جهان چشم بسته است.²

3- قاضی ابو عاصم محمد العبادی هروی که از محدثان هرات بوده ابن خلکان راجع به وی گفته است: کان اماماً متقناً دقیق النظر له مصنفات كثيرة أكثرها فی الفقه "ابو عاصم امام کامل دارای دقت نظر بوده کتابهای بسیاری داشته که اکثر آنها در فقه می‌باشد و از کتابهای مشهور آن: ادب القضا و الهادی الی مذهب العلماء و المبسوط است.³

با - از ویژگیهای مدرسه حدیثی هرات اینست که اکثر آنهایی که در حدیث مهارت داشتند در لغت عربی نیز تبحر حاصل نمودند و ما هنگامی که بیوگرافی محدثین هرات را می‌خوانیم می‌یابیم که بیشتر آنهایی که در حدیث، شهرت یافته اند، ایشان در قطار لغویین محسوب شده و مهارتشان در لغت کمتر از شهرتشان در حدیث نبوده است، و بدین لحاظ می‌توانیم که این امر را از ویژگیهای مدرسه حدیثی هرات قلمداد کنیم، زیرا در سایر مناطق افغانستان بدین شکل و پیمانانه سراغ نداریم که متخصصین حدیث ماهرین لغت بوده باشند، و اینک به ذکر برخی ازین شخصیتها ذیلاً می‌پردازیم.

1- ابو منصور محمد بن احمد بن طلحة از هری فقیه و محدث که تابع مذهب امام شافعی بوده و امام لغت و ادب می‌باشد، نخست به حدیث و فقه اهتمام نموده و در آن شهرت یافت، سپس تبحر در لغت و ادب بروی تغلب نمود، ازینرو به خاطر آن به قبائل و اطراف سفرها کرد، و کتابهای نوشته که از مشهورترین کتابه هایش تهذیب اللغة، غریب الالفاظ التي استعملها الفقهاء، تفسیر القرآن و فوائد منقوله عن تفسیر المزی، می‌باشد و در سال 370 هجری در هرات چشم از جهان پوشید.⁴

2- ابو اسحاق ابراهیم بن محمد بن ابراهیم هروی که از علمای بزرگ بوده از ارکان علم، سماع حدیث نموده، سفرهای هر طرف داشته امام، فقیه و ماهر در اصول و علم کلام و آگاه در احادیث بوده با علمای بزرگ نشست و برخاست داشته، کتابها و مؤلفات زیادی از وی مانده است، که مشهورترین آنها:

1- جامع الجلی و الخفی فی اصول الدین.

2- نورالعین فی مشهد حسین.

3- ادب المجلة.

4- العقیده و کتابهای دیگر.⁵

3- ابو عبیده احمد بن محمد بن عبدالرحمن القا شانی که نامبرده محدث، فقیه و لغوی مشهور بوده از علمای بزرگ به حساب می‌آید، و صاحب دو کتاب الغریبین است که در آن غریب القرآن و غریب الحدیث را تفسیر نموده و از قریه قاشان یکی از روستاهای هرات است و در سال 401 وفات نموده است.⁶

اینها و امثال شان محدثین مشهوری بودند که در لغت و ادب نیز به کمال و مهارت رسیده بودند و روی این امر می‌توانیم به جزم بگوییم که مدرسه حدیثی هرات نسبت به مدارس حدیثی دیگر، در افغانستان، به ویژگی کثرت محدثین لغوی، و مدرسه حدیثی بلخ به ویژگی کثرت محدثین فقیه، اختصاص یافته است.

ج - واز ویژگیهای مدرسه حدیثی هرات آنست، که اکثر محدثین هرات، پیرو مذهب امام شافعی بوده اند، برخلاف محدثین بلخ، که اکثریت قاطع آنان به مذهب امام ابوحنیفه انتما داشته اند، و هرگاه باحث و محقق به طبقات الشافعیه مراجعه نماید و آنرا صفحه زند در می‌یابد که اکثر محدثین هرات در طبقات الشافعیه درج بوده و بر مذهب امام شافعی منسوب بوده اند بگونه مثال:

1- ابو احمد منصور بن محمد ازدی هروی از محدثین هرات است واز زمره علمای است که جمع بین علم و ادب نموده واز علمای شافعیه است، کتابها و رساله ها دارد، مذکور، نویسنده، شاعر، عالم و محدث بود، در سال 440 از جهان چشم بست.⁷

2- ابو منصور محمد بن احمد بن طلحة مشهور به ازهری، از بزرگترین فقهای شافعی است، که دارای مؤلفات و کتابهای زیادی است، قبلاً از بیوگرافی آن ذکر بعمل آمد.

¹- التقييد في معرفة رواة السنن والمسنيدي ص 322-324 وتذكرة الحفاظ 1183/3 وسير اعلام النبلاء 503/18.

²- دافغانستان نوميالی ج 2 ص 25 وأريانا دائرة المعارف 756

³- افغانستان من الفتح الإسلامي ص 358 - 359

⁴- افغانستان من الفتح الإسلامي ص 356 الاعلام للزرکلی

⁵- دافغانستان نوميالی ج 1 ص 202 وأريانا دائرة المعارف ج 5 ص 9

⁶- افغانستان والادب العربي عبر العصور ص 226 والطيفات الكبرى 81/4 البلدية النهائية ج 11/ص 344

⁷- طبقات الشافعية ج 4 ص 196 وافغانستان والادب العربي ص 304

3- محمد بن احمد هروی فقیه ومحدث بوده از مذهب امام شافعی پیروی می کرد ، وکتبهای در فقه شافعی تألیف کرده است .¹ بدین سان تعداد زیادی از محدثین هرات اند که ایشان در فقه شافعی تبارز نموده ودر پهلوی مهارت و شهرت شان در حدیث به حیث فقهای برجسته ونامور عرض اندام نموده وشناخته شده اند که مدرسه حدیثی هرات را ویژه گی خاص بخشیده اند . ولی در باقی ویژگیها وخصوصیات چون حفظ حدیث ،نگارش آن ، تألیف وتصنیف درحدیث ،اهتمام به قضایای جرح وتعدیل واسناد ، سفرها برای طلب حدیث ،محدثان هرات همانند محدثان بلخ در همه عرصه های مذکور نشاطات وفعالیتها داشته اند که می توانیم بگوییم که در ممیزات مذکور این دو مدرسه باهم وجوه مشترک دارند .

دست آوردهای این مدرسه در مجال حدیث

علم حدیث درشهر هرات بانشاط علماء وطلاب آن نشأت نموده رشد ونمو کرد ، تا آنکه مدرسه حدیثی هرات شکل گرفت ، وهرات مرجع علماء وطلاب برای اخذ علم وسماع حدیث شد ، طوری که حافظ ابرو یکی از تاریخ دانان افغان گفته است : قیه الاسلام هرات قبله احرار وابرار وکعبه اشرف واحبار ومركز اهل بر وتقوی ،مأمن زهاد وعباد ومسکن افطاب واوناگ گشته .²

واز دست آورده ونتایج سعی وتلاش اهل هرات به علم، تعداد مدارس شرعی در هرات در زمان غوریها به 359 مدرسه می رسید ، وهرات در جزء شرقی از عالم اسلامی مرکز علم وادب وروایت گردید ، که از آن محدثین ثقاتی بروز نمودند که در اطراف واکناف شهرت یافتند ، وکتابخانه های اسلامی را با تألیفات ومصنفات بزرگ شان در حدیث وعلوم آن ، ودرفقه ،تفسیر ، تاریخ وغیره غنامند ساختند که از آنجمله می توان به شخصیتهای ذیل اشاره کرد .

1- حسین بن ادريس بن مبارک بن الهيثم بن زياد هروی مؤلف وصاحب تصانیف درحدیث کتابی در تاریخ مانند کتاب تاریخ کبیر بخاری بر حروف معجم تصنیف نموده که در آن احادیث و اخبار زیادی را آورده است ودرسال 301 ه از جهان رحلت نموده است .³

2- شیخ الاسلام خواجه عبدالله انصاری از فرزندان هرات زاده مدرسه حدیثی هرات، کسی است که به علم ، زهد ، تقوی شهرت یافت وبا بدعات وخرافات مبارزه کرد ، کتابهای وتالیفات زیادی دارد ، از بزرگترین ومشهورترین علمای حدیث وفقه می باشد، علاوه براینکه در زهد ، شهرت داشته است، ودرسال 481 از جهان چشم پوشیده .⁴

بصورت فشرده مدرسه حدیثی هرات نتایج ذیل را بیار آورده است :

- 1- شهر هرات مهد علم حدیث ومرجع طلاب آن گردید .
- 2- هرات تعداد زیادی از محدثین را که به قمه علم وبر درجه نقد وتنقیب رسیده بودند،پرورش داد
- 3- کتابها ومؤلفات زیادی در علوم مختلف حدیث چون جرح وتعدیل تاریخ ، رجال حدیث به دست تألیف قرار گرفت .
- 4- مدرسه حدیثی هرات مدرسه فقهی هرات را به زایش گرفت زیرا مبنای فقه کتاب وسنت است، پس از آنکه محدثین در هرات بروز نمودند دسته از آنها متصدی استنباط احکام فرعی از احادیث نبوی شدند، نگاه فقه نشو و نما نموده مدرسه فقهی هرات به میان آمد که ممیزات وخصوصیات ویژه اختصاصی یافت .

فهرست مأخذ ومراجع

1. احسن التفاسيم : تألیف محمد بن احمد بن عبدالله المقدسی ، لیدن مطبعة بریل 1909 م
2. الاعلام تألیف رزکلی - دارالعلم للملایین بیروت لبنان
3. افغانستان والادب العربی عبدالصویر تألیف دکتور امان صافی - الطبعة الاولى المكتبة السلفية 1988 القاهرة
4. افغانستان من الفتح الاسلامی الی الغزوالروسی تألیف د/محمدعلی البار الطبعة الاولى ،دارالعلم للطباعة والنشر ، جدة السعودية .
5. افغانستان نومیالی عبدالرؤف بینوا طبع وزارت اطلاعات وکلنور - کابل - افغانستان
6. البداية والنهاية تألیف اسماعیل بن عمر بن کثیر - دارالین کثیر بیروت لبنان
7. بذل المجهود... تألیف شیخ خلیل احمد سهار نفوری ،مطبعة ندوة العلماء لکنهو سال طبع 1392 ه 1972 م
8. تاریخ افغانستان بعد از اسلام / عبدالحی حبیبی طبع کابل
9. تاریخ هرات در عهد تیموریان تألیف عبدالحکیم طیبی سال طبع 1368 انتشارات هیرمند تهران
10. تذكرة الحفاظ : ابو عبدالله شمس الدین ذهبی ، داراحیاء التراث العربی بیروت لبنان
11. التقريب : ابن حجرعسقلانی طبع دارنشر الکتب الاسلامیة کوجرانواله پاکستان الطبعة الاولى
12. التقييد في معرفة رواة السنن والمسناد : محمد بن عبدالغنی ابن النقطة البغدادی دارالکتب العلمیة الطبعة الاولى 1988 بیروت
13. تهذيب التهذيب : ابن حجر العسقلانی : حیدرآباد الدکن بالهند سنة 1325 ه
14. خراسان بزرگ : تألیف داکتر احمد رنجبر مؤسسه انتشارات امیر کبیر
15. دائرة المعارف آریانا :وزارت معارف افغانستان انجمن دائرة المعارف کابل 1962
16. رساله مزارات هرات تصحیح وتعلیق فکری سلجوقی چاپ کابل

¹ - افغانستان من الفتح الاسلامی ص 361

² - خراسان بزرگ ص 265-266

³ - معجم البلدان ج 5 ص 396-396

⁴ - طبقات الصوفیة ص 4

17. سرگذشت پیرهرات تألیف منصور الدین خواجه نصیری تهران ، اقبال 1359 هـ
18. سنن ابی داود : سلیمان بن اشعث سجستانی تعلیق عزت عبید حمص سال طبع 1388هـ
19. سنن ابن ماجه : محمد بن یزید ابن ماجه قزوینی دارالفکر بیروت سال طبع 1960
20. سیراعلام النبلاء : ابو عبدالله شمس الدین ذهبی مؤسسه الرساله الطبعة الثالثة سنة (1405) هـ
21. طبقات الصوفیة : تألیف عبدالله بن محمد بن علی الانصاری ، تحقیق وتعلیق عبدالرحی حبیبی سال طبع 1314 ش انجمن تاریخ وزارت افغانستان - کابل
22. طبقات الشافعیة : تألیف تاج الدین ابونصر عبدالوهاب بن علی السبکی تحقیق عبدالفتاح محمد ومحمود محمد الطاحی عیسی الحلبي القاهرة الطبعة الاولى
23. الطبقات الكبرى : تألیف ابو عبدالله محمد بن سعد طبع دار صادر بیروت
24. فتوح البلدان : احمد بن یحیی ابوالحسن البلاذری ،المکتبة النجارية القاهرة 1934 م
25. القلقشندی (نهاية الادب فی معرفة انساب العرب) ابو العباس شهاب الدین احمد بن علی بن احمد القلقشندی .
26. معجم المؤلفین : عمر رضا کحاله ، مکتبة المثنی بیروت
27. معجم البلدان : یاقوت بن عبدالله ابو عبدالله الحموسی - احياء التراث العربی بیروت 1399 هـ